



قرار تامین در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

تالیف:

قباد صفری

(دانش آموخته کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه)

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه محفوظ است

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

سرشناسه	: صفری، قباد، ۱۳۶۳ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: قرار تأمین در قانون آیین دادرسی کیفری جدید / تألیف قباد صفری.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۵۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۸۹ - ۱۹۲.
موضوع	: قرار تأمین (آیین دادرسی جزایی) -- ایران
موضوع	: *Bail order (Criminal procedure) -- Iran
موضوع	: آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	: Criminal procedure -- Iran
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ص ۷۴ ق ۴ / KMH۴۶۱۰
رده بندی دیویی	: ۵۵۰۵/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۶۷۰۱۹

انتشارات قانون یار

قرار تأمین در قانون آیین دادرسی کیفری جدید

تألیف: قباد صفری

ناشر: قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت نسخه الکترونیکی: ۸۰۰۰ تومان

قیمت نسخه چاپی: ۱۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۵۷-۲

کتاب حاضر حاصل پایان نامه دانشجویی با عنوان **قرار تأمین در قانون آیین دادرسی**

کیفری مصوب ۱۳۹۲، در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ است و کلیه حقوق مادی و معنوی آن متعلق به

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می باشد

فهرست مطالب

مقدمه	۷
-------	---

فصل اول ۱۱

کلیات	۱۱
-------	----

مبحث اول : تعریف، مفهوم و انواع قرارهای تأمین کیفری	۱۳
گفتار اول: تعریف قرار تأمین کیفری	۱۳
گفتار سوم : انواع قرار در قانون دادرسی کیفری	۲۰
مبحث دوم : الزام قانونی و معیارهای تناسب تأمین کیفری در قانون جدید کیفری	۲۱
گفتار اول : الزام قانونی برای اخذ تأمین کیفری	۲۱
گفتار دوم: معیارهای تناسب تأمین کیفری	۲۲
مبحث سوم: اصل الزامی بودن تعقیب یا مصلحت بودن در قرارهای کیفری	۲۷
گفتار اول : قرارهای نظارت قضایی و مبانی آن	۲۷
گفتار دوم: موقعیت داشتن تعقیب یا الزامی بودن در نظام قضایی ایران	۳۵

فصل دوم ۵۳

بررسی قرارهای تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و مصوب ۱۳۹۲	۵۳
مبحث اول : تقسیم بندی قرار تأمین کیفری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸	۵۵
گفتار اول : قرار بازداشت موقت	۵۶
گفتار دوم: قرار وثیقه	۵۶
گفتار سوم: قرار کفالت	۵۹
گفتار چهارم: قرار التزام به حضور با وجه التزام	۶۳
گفتار پنجم: قرار التزام به حضور با قول شرف	۶۴
گفتار ششم: قرار منع خروج از کشور	۶۵
گفتار هفتم: وجه الضمان	۶۷
مبحث دوم : تقسیم بندی قرار تأمین کیفری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	۶۷
گفتار اول : قرار التزام به حضور با قول شرف	۶۹
گفتار دوم : قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام	۷۱
گفتار سوم : قرار التزام به عدم خروج از حوزه ی قضایی با قول شرف	۷۲
گفتار چهارم : قرار التزام به عدم خروج از حوزه ی قضایی با تعیین وجه التزام	۷۲
گفتار پنجم : قرار التزام به معرفی نوبه ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام	۷۳
گفتار ششم : التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط	۷۴



- گفتار هفتم : التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامات تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات ۷۵
- گفتار هشتم : قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله ۷۷
- گفتار نهم : قرار اخذ وثیقه ۹۳
- مبحث سوم : تقسیم بندی قرار تأمین کیفری اشخاص حقوقی در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ۱۰۱
- گفتار اول : قرار منع از انجام بعضی فعالیت های شغلی ۱۰۲
- گفتار دوم : قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی ۱۰۳

فصل سوم ۱۰۷

- موارد منتفی شدن قرارهای تأمین کیفری و جهات عدم ضبط اموال در این قرار ها ۱۰۷
- مبحث اول : موانع و شرایط منتفی شدن در قرارهای تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ۱۰۹
- گفتار اول : حضور متهم در موعد مقرر ۱۰۹
- گفتار دوم : تعلیق اجرای تمام مجازات مقرر در حکم ۱۰۹
- گفتار سوم : رفع اتهام از متهم ۱۰۹
- گفتار چهارم : صدور قرار موقوفی تعقیب ، تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات ۱۰۹
- گفتار پنجم : ترک تعقیب و قرار بایگانی کردن ۱۱۰
- مبحث دوم : موانع و جهات سقوط و عدم ضبط اموال در قرار تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ ۱۱۲
- گفتار اول : موانع ضبط اموال ناشی از قرارهای تأمین ۱۱۲
- گفتار دوم : عدم تلقی موارد مانع ضبط ۱۷۳
- گفتار سوم : استنکاف متهم از حضور ۱۷۶
- خاتمه ۱۷۷

نتیجه گیری ۱۸۳

- الف : نتیجه گیری ۱۸۵
- ب : پیشنهادات ۱۸۷

منابع و مأخذ ۱۸۹

- الف) کتب ۱۹۱
- ب) مقالات ۱۹۲
- ج) قوانین ۱۹۲

مقدمه

به رغم تغییر قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در سال ۱۳۷۸، جای خالی قانون جامع و همه جانبه ای که دربردارنده ی حقوق مردم و دولت باشد، احساس گردید که در این راستا در سال ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری بعد از فراز و نشیب های فراوانی به تصویب رسید و اجرایی گردید. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در باب قرارهای تأمین، نه تنها تحول جدی ایجاد نکرد، بلکه ابهام و اجمال مواد موجب بروز اختلاف نظرهای زیادی در مراجع قضایی و مراکز علمی شد که همین اختلافات غالباً با صدور رأی وحدت رویه ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور برطرف گردید. از زمان آغاز فرایند رسیدگی تا زمانی که تحقیقات مقدماتی در دادسرا پایان می یابد، قرارهای مختلفی صادر می شود که پاره ای از آن ها به منظور دسترسی به متهم است، برخی دیگر برای تکمیل تحقیقات می باشد و تعدادی نیز در پایان تحقیقات صادر می شود. به دیگر سخن، قرارها به دو نوع قرارهای مقدماتی و قرارهای نهایی تقسیم می گردند. قرارهای تأمین کیفری که انواع آن در قانون سابق به پنج مورد محدود می گردید، در قانون جدید به ده مورد افزایش یافته است. ماده ی ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) جایگزین ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری شده است. از مواردی که در قانون جدی احصاء گردیده تأمین کیفری اشخاص حقوقی است که در هیچ یک از قوانین قبل و بعد از انقلاب اسلامی سابقه تقنینی ندارد و از نوآوری های مختص به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ محسوب می گردد. قانونگذار جدید در بخش یازدهم از قانون آیین دادرسی کیفری و طی مواد ۶۸۸ الی ۶۹۶ آیین دادرسی کیفری حاکم بر اشخاص حقوقی را تقنین نموده است و اهم این مواد ماده ۶۹۰ در خصوص قرارهای تأمین کیفری متناسب با اشخاص حقوقی می باشد.

قرار های تأمین کیفری جزو قرارهای اعدادی محسوب میگردد که جهت تکمیل تحقیقات مقدماتی، آماده نمودن پرونده کیفری و جمع آوری دلایل و نیز در اختیار داشتن متهم، در فرضی که حضور بعدی متهم و دسترسی به وی لازم باشد، صادر میگردد. قانون جدید آیین



دادرسی کیفری مصوب سال ۹۳، در فصل هفتم تعداد قرارهای تأمین کیفری را به ده مورد افزایش داده است. بموجب ماده ۲۱۷ قانون جدید، قانونگذار علاوه بر موارد پنجگانه فوق موارد «التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف»، «التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام»، «التزام به معرفی نوبه ای خود بصورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام»، «التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام» و «التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام، از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی»، را نیز در فهرست قرارهای تأمین کیفری احصا نموده است. بررسی ویژگی ها و تغییرات هریک از قرارهای تأمین کیفری در قانون جدید، خود عنوان و یادداشت دیگری میطلبد. بعنوان مثال ویژگی هایی چون:

- مطابق تبصره یک ماده ۲۱۷ صدور قرار کفالت، ضمانت اجرای عدم پذیرش چهار مورد از قرارهای تأمین دهگانه از سوی متهم، واقع شده است.

- وفق ماده ۲۳۷ قانون جدید در مورد قرار بازداشت موقت، اصل بر عدم صدور قرار تأمین بازداشت موقت بوده و به تصریح تبصره ماده مذکور، قرار بازداشت موقت الزامی (اجباری) ، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح حذف گردیده است.

- استفاده از تجهیزات الکترونیکی چشم انداز جدیدی در نظام تحصیل ادله و نظارت بر متهم تا پایان تحقیقات، ایجاد نموده است که حضور فیزیکی متهم و محدودیت های روزمره را بر وی به حداقل میرساند.

- از رهگذر افزایش قرارهای تأمین کیفری، اصل تناسب اعمال قرار بر متهم افزایش یافته و مرجع صالح در صدور قرار متناسب با متهم - با رعایت مقررات قانونی - اختیار عمل بیشتری دارد. اما در قانون جدید، قانونگذار ضمن رویکردی به مراتب مطلوب تر از قانون قبلی، و در جهت حفظ حقوق متهم و آزادی حداکثری وی در مراحل تحقیقات مقدماتی، تاسیس جدیدی را با عنوان «قرار نظارت قضایی» در ماده ۲۴۷ ذیل فصل هفتم عنوان نموده است.



قرار های نظارت قضایی - جز در برخی مصادیق آن - در قوانین کشورمان دیده نشده است .
و به نظر قوانین کیفری فرانسه در این زمینه مرجع قانونگذار بوده است «قرار های نظارت» هم
مانند قرارهای تامین کیفری آزادی های متهم را محدود می نماید ولی محدودیت ناشی از
صدور قرار های نظارت قضایی خفیف تر و شامل برخی محدودیت های شغلی ، محرومیت
استفاده از تسهیلات اجتماعی ، محدودیت تردد و غیره می باشد. و در واقع مرجع صالح پس از
صدور قرار نظارت ، بر رعایت تکالیف موضوع قرار از سوی متهم ، نظارت میکند.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: تعریف، مفهوم و انواع قرارهای تأمین کیفری

آیین دادرسی کیفری یا اصول محاکمات جزایی، مجموعه قواعد و مقرراتی شکلی است که سعی در تسهیل کشف جرم، تعقیب جرم، دادرسی صحیح و عادلانه و اجرای حکم به نحو مطلوب دارد و در جهت تضمین حقوق و آزادی های متهم، مظنون یا مشتکی عنه و همچنین حقوق شاکی خصوصی و جامعه به عنوان شاکی عمومی است. توازن بین حقوق شاکی اعم از شاکی خصوصی با نمایندگی مدعی العموم، هدف اصلی آیین دادرسی کیفری است و به همین جهت قرار تأمین کیفری یکی از مباحث مهم در آیین دادرسی کیفری می باشد؛ زیرا از یک سو از بازداشت فرد متهم که جرم وی ثابت نشده و چه بسا تبرئه شود، جلوگیری می نماید و از سوی دیگر امکان فرار متهم را از بین برده و بدین صورت به شاکی این فرصت را می دهد تا در یک دادرسی عادلانه موفق به ارائه ی دلایل مثبت شکایت خویش شود. قرار تأمین کیفری، ارتباط تنگاتنگ با حقوق و آزادی های متهم دارد و پس از تعقیب مشتکی عنه یا مظنون و انجام تحقیقات مقدماتی، در صورت وجود دلایل علیه متهم و پس از تفهیم اتهام توسط مقام صلاحیتدار (دادیار یا بازپرس) صادر می شود. بدین لحاظ مطالب این فصل را در سه گفتار پی گیری می کنیم؛ تعریف و مفهوم قرار تأمین کیفری؛ مبانی و ضرورت وجودی قرار تأمین کیفری، انواع قرار تأمین.

گفتار اول: تعریف قرار تأمین کیفری

قرار از نظر لغوی عبارت است از «آرام گرفتن، جا گرفتن و عهد و پیمان»^۱ و از نظر حقوقی به معنای «تصمیم دادگاه در امر ترافعی است که کلاً یا بعضاً قاطع دعوی نباشد»^۲ تصمیمات دادگاه ها به دو نوع می باشد:

(۱) تصمیمات اداری

(۲) تصمیمات قضایی

^۱ - عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۲، تهران، ص ۸۹۵

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ص ۵۳۱.



تصمیمات اداری، دستوراتی هستند که رییس دادگاه یا دادرس بر روی اوراق پرونده و حسب مورد و اقتضاء، مکتوب می دارد.^۳ بنابراین تصمیمات اداری، مواردی را در برمی گیرد که مقدمه ی صدور دستور قضایی بوده و فاقد جنبه ی قضایی است. مانند دستور تعیین وقت و درخواست پرونده ی استنادی.

مشخصه ی تصمیمات اداری آن است که، صدور آن قابل تفویض به غیر (مدیر دفتر) است و انصراف از آن بلامانع است. همچنین این تصمیمات از بعد ماهیتی تأثیری در پرونده ندارد. تصمیمات اداری به جهت عدم ماهیت قضایی خصوصاتی به شرح زیر دارد:

(۱) قاطع دعوی نیست؛

(۲) اعتبار امر مختومه یا اعتبار قضیه محکوم بها ندارد؛^۴

(۳) قابل عدول است.

تصمیم قضایی یا رأی دادگاه خود به دو نوع است:

(۱) حکم

(۲) قرار

قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ در تفاوت بین حکم و قرار چنین مقرر داشته بود: «رأی محکمه یا راجع به ماهیت دعواست کلیتاً یا به بعضی مسائل که در حین رسیدگی به دعوی حادث و مطرح می شود. رأی محکمه در صورت اول حکم و در صورت ثانوی قرار نامیده می شود.»

قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در ماده ۲۹۹ در تفاوت قرار و حکم چنین مقرر داشته است: «رأی دادگاه چنان چه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی و کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می شود.»

^۳ - واحدی، قدرت الله؛ آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۵۱

^۴ - کاتوزیان، ناصر؛ اعتبار قضیه محکوم بها در امور مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۵۴، ص ۲.

این ماده تعریف قرار را بر اساس تعریف حکم قرار داده و هرچه را که حکم نباشد، از مصادیق قرار دانسته است. با این وصف در تفاوت حکم و قرار باید به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) حکم راجع به ماهیت دعوا است، اما قاضی در صدور قرار وارد ماهیت دعوی نمی شود. بنابراین چنانچه قاضی با ورود با ماهیت جرم سرقت نسبت به بررسی و احراز عناصر آن شامل رکن مادی و رکن معنوی اقدام نماید و پس از آن به دلیل فقد سوء نیت، مانند وجود شبهه ی مالکیت برای سارق یا فقدان یکی از اجزای رکن مادی سرقت از جمله مالکیت متهم نسبت به مال موضوع جرم، متهم را تبرئه کند، حکم صادر نموده است، اما چنانچه پیش از ورود به ماهیت یا حین دادرسی، به علت گذشت شاکی خصوصی یا فقدان دلیل بر ارتکاب جرم از سوی متهم، قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب صادر کند، تصمیم فوق، قرار است که بدون ورود ماهیت قضیه اتخاذ شده است.^۵

(۲) حکم به طور کلی یا جزئی فیصله دهنده دعوی است. در خصوص دعوی تعیین تکلیف قطعی می نماید به گونه ای که دیگر نمی توان همان دعوی را مطرح نمود مگر در دادگاه های بالاتر و تحت عنوان اعاده ی دادرسی، اما قرار همیشه دارای این خصوصیت نبوده و چه بسا قراری که قاطع دعوی نیست. به عنوان مثال قرار منع تعقیب که به علت فقد دلیل بر ارتکاب جرم صادر می شود، قاطع دعوی نبوده و امکان اقامه ی دعوی مجدد را از شاکی سلب نمی نماید. با این وصف چنانچه شاکی پس از صدور قرار، دلایلی علیه مرتکب به دست آورد، می تواند مجدداً دعوای خود را اقامه کند.

آنچه باید مد نظر قرار گیرد آن است که وجود هر دو شرط فوق توأماً در حکم با قرار لازم است. بنابراین حکم، رأیی است که راجع به ماهیت دعوی است و قاطع دعوا نیز می باشد و چنانچه تصمیم دادگاه صرفاً یکی از دو خصیصه فوق را داشت یا فاقد هریک از این دو

^۵ - این ویژگی قرار همیشه صدق نمی کند و برخی قرارها در ماهیت تجدیدنظر خواهی و یا دعوی صادر می شود. به عنوان مثال صدور قرار منع تعقیب به واسطه ی جرم نبودن عمل انتسابی، مستلزم رسیدگی ماهیتی است.

ویژگی بود، قرار نامیده می شود. به عنوان مثال قرار موقوفی تعقیب، قاطع دعوی است بدون اینکه مستلزم ورود در ماهیت دعوی باشد.

۳) حکم صرفاً توسط قاضی صادر می شود، اما قرار می تواند توسط دفتر دادگاه نیز صادر شود.

آنچه بیان شد تعریف «قرار» در مقابل «حکم» بود و شامل دعوی حقوقی و کیفری هردو است.

همچنان که ذکر شد قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری تعریفی از قرار ارائه نداده، ولی به انواع قرار اشاره نموده است. قرارهای کیفری دو نوعند؛ ۱) قرار اعدادی یا مقدماتی تصمیمی است که پرونده را معد تصمیم گیری نهایی می کند مانند قرار اعطای نیابت قضایی، قرارهای رسیدگی به دلایل مانند قرار رجوع به کارشناس و قرار اناطه.

۲) قرار نهایی قرار است که بازپرس یا دادیار پس از اتمام تحقیقات مقدماتی نسبت به اقدامات به عمل آمده اتخاذ تصمیم می نماید^۶ و خود به سه نوع است:

الف) قرار موقتی تعقیب موضوع ماده ۶ ق.آ.د.د.ع و ا.ک که به لحاظ فوت متهم یا محکوم علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ مجازات قانونی، اعتبار امر مختومه و مرور زمان در مجازات های بازدارنده صادر می شود.

ب) قرار منع تعقیب که گاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی است و گاه ناشی از فقد دلیل بر انتساب بزه به متهم یا به طور کلی فقد دلیل بر ارتكاب بزه صادر می شود و طبق بند (الف) ماده ۱۷۷ ق.آ.د.د.ع و ا.ک چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد، دادگاه اقدام به صدور رأی برائت و یا قرار منع تعقیب می نماید.

^۶ - حبیب پروین، کریم؛ قرارهای منتهی به بازداشت متهم، نشر آریان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۴

ج) قرار مجرمیت، قرارى كه پس از احراز جرم و انتساب آن به متهم توسط بازپرس یا قاضى تحقیق صادر مى شود و مطابق بند (ك) ماده ۳ ق.آ.ق.ت.د.ع وا پس از پایان تحقیقات در صورتى كه بازپرس به تقصیر متهم عقیده داشته باشد، صادر مى شود.

قرار تأمین کیفرى از قرارهاى اعدادى است كه پرونده را معد رسیدگى از نظر حضور متهم مى كند. در تعریف قرار تأمین کیفرى گفته شده است «قرارى است كه متهم را تا پایین دادرسى و اجرای حكم در اختیار مقام قضایى قرار مى دهد»^۷

با توجه به این تعریف، قرار تأمین کیفرى در مواردی صادر مى شود كه دلایل كافی علیه مشتكى عنه وجود داشته و به وی تفهیم اتهام شده باشد تا بتوان عنوان متهم را به وی اطلاق كرد و در تعریف آن مى توان گفت «تصمیمى قضایى است كه توسط قاضى تحقیق (اعم از بازپرس یا دادیار در حقوق ایران) در طول تحقیقات مقدماتى و به منظور به دست آوردن دلایل و سرانجام بررسى و اظهار نظر نسبت به اقدامات انجام شده به عمل مى آید»^۸

گفتار دوم: مبانى و ضرورت وجودى قرار تأمین کیفرى
مراحل مرتبط با جرم پس از ارتكاب آن در پنج گام قابل بررسى است:

(۱) كشف جرم؛

(۲) تحقیقات مقدماتى؛

(۳) دادرسى و محاکمه؛

(۴) صدور حكم؛

(۵) اجرای حكم.

طبق ماده ۶۵ ق.آ.د.ع.وا.ك جهات قانونى برای شروع به تحقیقات و رسیدگى عبارت است از شكایت شاكى، اعلام و اخبار ضابطین و افراد مورد وثوق، اظهار و اقرار متهم و بالاخره مشاهده ی جرم مشهود توسط قاضى. بنابراین كشف جرم یا شكایات یا اعلام صورت

^۷ - مدنى، سید جلال الدین، آیین دادرسى کیفرى، نشر پایدار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۱۴

^۸ - آشورى، محمد، آیین دادرسى کیفرى (۱)، جزوه ی درسى دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۲



می گیرد. جرایم واجد جنبه ی خصوصی صرفاً یا شکایت شاکی خصوصی قابل پیگرد بوده، اما جرایمی که دارای جنبه ی عمومی نیز می باشند، با اعلام و گزارش جرم قابل تعقیب است. وفق ماده ۱۹ ق.آ.د.د.ع.و.ا.ک تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله ی وقوع آن، تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد. تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس یا دادیار صورت گرفته و شروع به تحقیق پس از ارجاع پرونده توسط دادستان خواهد بود. از آنجا که در اکثریت مواقع انجام تحقیقات مقدماتی مستلزم صرف وقت است، باید در تزامن حق شاکی با حق تعقیب شونده تمهیدی در نظر گرفته شود که متهم در واقع لزوم در اختیار مقام قضایی باشد تا بهتر بتوان نسبت به جرم تحقیق نمود و در صورتی که متهم مقصر شناخته شود و پرونده به صدور حکم محکومیت منتهی شود، اجرای حکم در خصوص متهم میسر می گردد. بنابراین علل صدور قرار تأمین عبارت است از:

۱) اطمینان خاطر از حیث دسترسی به متهم و حضور به موقع وی: با صدور قرار تأمین از انواع مختلف به شرح آمده در مباحث آتی، دادیار، بازپرس و متعاقب آن قاضی دادگاه کیفری از حضور متهم در مواقع مورد لزوم اطمینان حاصل می کند.

۲) جلوگیری از تبانی با دیگری: این علت که بیشتر در قرار تأمین کیفری از نوع بازداشت موقت مصداق دارد، از تبانی متهم با شرکای جرم و شهود جلوگیری می کند. امکان تهدید یا تطمیع شهود و مطلعین را از وی سلب می نماید. همچنین قرار بازداشت موقت که شدیدترین نوع قرار تأمین کیفری است، امکان محو آثار و دلایل جرم را توسط متهم از بین برده و به روند تحقیقات مقدماتی سرعت می دهد. صدر ماده ۱۳۲ ق.آ.د.د.ع.و.ا.م در علل صدور قرار تأمین کیفری چنین آورده است: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید...»

در مبنای وجودی قرار تأمین کیفری باید به تعارض دو حق اشاره کرد؛

اول- حق آزادی که به عنوان یکی از حقوق طبیعی برای هر انسانی به رسمیت شناخته شده و قوانین اساسی کلیه کشورها بر آن تصریح کرده اند. آزادی فردی که یکی از اقسام آزادی است^۹ و به آزادی شخصی نیز تعبیر می شود، عبارت است از حقوقی که دولت ها برای افراد شناخته و تضمین کرده اند هدف از این حقوق آن است که افراد بتوانند به خواسته های مشروع خود جامه ی عمل بپوشانند.^{۱۰}

آزادی فردی به معنای خاص که یکی از انواع آزادی فردی می باشد، عبارت از آزادی بدنی هر فرد است به گونه ای بتواند هر نقطه ی کشور به نقطه ی دیگر آن نقل مکان کند یا از کشور خارج شود، به آن مراجعت کند و از توقیف بدون جهت مصون باشد.^{۱۱}

حقوق و آزادی های اشخاص در اصول ۱۹ تا ۴۲ ق.ا مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۷ از اصل سوم قانون اساسی، دولت را مکلف کرده کلیه امکانات خود را در جهت تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی افراد به کار گیرد و اصل سی و دوم عنوان داشته که هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. اصل ۳۶ ق.ا به اصول کلی نظام کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، (اعلام اعمال مجرمانه و مجازات آن به افراد قبل از تعقیب و مجازات) تصریح نموده و ماده ۲ ق.م.ا نیز بر آن تأکید کرده است.

دوم- حقوق شاکی: اصل آزادی افراد، بازداشت بی جهت متهم را منع می کند، اما از آن جا که طبق بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی، حکومت ملزم به تأمین حقوق همه جانبه ی افراد است، لذا باید از تضییع حقوق توسط اشخاص خاطی جلوگیری به عمل آورد. حق آزادی، حق مالکیت، حق امنیت و حق مقاومت در برابر ستم، از حقوق طبیعی هر انسانی است که در اصل دوم اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۷۸۹ مورد تأکید قرار گرفته و در اعلامیه های بعدی از جمله اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ تکرار شده است.^{۱۲} بنابراین چنانچه شخص مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که در قانون منع شده و از این طریق به حقوق مالی و غیر مالی

^۹ - آزادی به سه دسته اصلی؛ فردی، سیاسی و عمومی تقسیم می شود (جعفری لنگرودی؛ پیشین، ص ۳۰)

^{۱۰} - علی بابایی، غلامرضا؛ فرهنگ علوم سیاسی، نشر ویس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹

^{۱۱} - جعفری لنگرودی، پیشین، ص ۳۱.

^{۱۲} - قاضی، ابوالفضل، حقوق سیاسی و نهادهای سیاسی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۶۵۳.